

کتاب‌های

زهرآچیزی

وقتی بحث خشونت علیه زنان پیش می‌آید، نخستین تصویری که به ذهن اکثریت ما متبادر می‌شود تصویری از زنی است که از سوی یکی از اعضای خانواده مورد آزار و خشونت جسمی قرار گرفته است؛ زنی که پای چشمانش کبود است و آثار ضرب و جرح به وضوح در صورتش دیده می‌شود. این در حالی است که خیلی وقت‌ها خشونت علیه زنان بسیار فراتر از خشونت‌های جسمی و ضرب و شتم آنهاست. از همه مهم‌تر اینکه خشونت علیه زنان در محیط‌های خارج از خانواده بسیار جدی‌تر، مهم‌تر و چالش‌برانگیزتر از خشونت علیه زنان در فضای خانه و خانواده است. خشونت اجتماعی علیه زنان، خشونت در محیط‌های کار یا در سطح جامعه رخداد‌های تلخی است که نمی‌توان وقوع آن را انکار کرد. همچنان که وقوع خشونت‌های خانگی به رغم آنکه در کشور ما نسبت به سایر نقاط دنیا بسیار کم و ناچیز است اما در اصل ماجرا غیر قابل انکار است. چه در بحث خشونت‌های خانگی و چه در بحث خشونت‌های اجتماعی باید سراغ ریشه‌ها و عوامل بروز چنین فجایی رفت و با شناسایی علل و عوامل با نگاه پیشگیرانه فضا را به سمت مدیریت، تعدیل و حذف خشونت علیه زنان پیش برد. در غیر این صورت صرف صحبت درباره مسئله خشونت علیه زنان و حفظ امنیت آنها بدون نوعی خشونت ظلم به حقوق زنان محسوب می‌شود چراکه به شکل واضحی نگاه شعاری به موضوع خشونت علیه زنان و بر جسته سازی‌های رسانه‌ای و بدون تحلیل علل و تدبیر برای مدیریت، حکایت از استفاده ابزاری از موضوعاتی همچون خشونت علیه زنان، امنیت و حمایت از آنها دارد و همین نگاه استفاده ابزاری در طول تاریخ موجب شده است زنان در اقصی نقاط دنیا هر گز به حق و حقوق خودشان دست پیدا نکنند. بر این اساس اگر چه قوانینی همچون

قانون حمایت از زنان در برابر خشونت و معطل ماندن آن در دولت‌ها و مجالس گوناگون موضوع مهمی است که باید هر چه سریع‌تر به سرانجام برسد اما به بهانه حمایت از زنان در برابر خشونت خانگی نباید گستره خشونت اجتماعی علیه زنان را نادیده گرفت و بر عوامل آن چشم بست.

■ **تصویری فراتر از تصور**

قاب بندی ذهنی ما به گونه‌ای شکل گرفته که شاید وقتی از کنار دختری جوان با ظاهری آراسته و موهای بلندی که دورش ریخته و چهره‌ای که تداعی کننده حضور در یک مهمانی رسمی است، عبور می‌کنیم، اصلاً به ذهن‌مان نرسد این دختر می‌تواند نمادی از خشونت علیه زنان باشد! در واقع خشونت علیه زنان یک شکل و یک فرم ندارد و آزارهای روانی و فشارهای روحی که در دنیای امروز پیرامون ظواهر زنان و دختران شکل گرفته، نوع دیگری از خشونت علیه آنها به شمار می‌رود که حیطه‌ای به مراتب بسط‌تر از خشونت‌های جسمانی علیه زنان را شامل خواهد شد. نکته قابل تأمل اینکه حضور زنان و دختران با این شکل و شمایل در سطح جامعه خودش می‌تواند یکی از عوامل گسترش خشونت‌های اجتماعی علیه آنها باشد.

به نظر می‌رسد زنان و دختران غربی با چهره‌های‌شان به استانداردهای زیبایی ارائه شده از سوی صنعت زیبایی و سینما نزدیک‌تر باشند اما انگار آنها خود را در معرض خشونتی شدید احساس می‌کنند؛ خشونت نه به معنای معمول خشونت‌های خانگی و اجتماعی در غرب و مرگ، تعرض و تهاجم که در اغلب کشورهای غربی به اخبار هر روزه و هر ساعته تبدیل شده بلکه این بار پای فشارهای روانی و اجتماعی در میان است.

■ اوج یأس زنان و دختران

براساس آخرین نظرسنجی نگرش سالانه مؤسسه خبریه «گرل گایدینگ» (Gir's guiding)، دختران جوان از هر زمان دیگری مأیوس‌ترند.

ایندیدندت در گزارش‌های یکی دو ماه پیش منتشر شد

نوشته است: ترکیبی از معیارهای غیرواقعی زیبایی در رسانه‌های اجتماعی و نبود آینده شغلی موجب افسردگی دختران جوان شده است. میزان خوشحالی دختران نسبت به ۱۵ سال گذشته به پایین‌ترین سطح رسیده و عمده‌ترین دلایل آن ترس از آزار جنسی، بچه‌دار شدن و توقعات غیرواقعی زیبایی است. کمتر از یک پنجم ۲هزار و ۶۱۴ نفری که در این نظرسنجی شرکت کردند خود را بسیار خوشحال توصیف کردند و ۸۹ درصد گفتند در مجموع نگران و مضطرب هستند. تعداد افراد ۱۲ تا ۲۱ ساله که به صورت آنلاین نظر (کامنت)‌های جنسیتی دریافت کرده‌اند از سال ۲۰۱۸ تاکنون بیش از دو برابر شده است و تعداد غریبه‌هایی که به صورت آنلاین با آنها تماس می‌گیرند نیز تقریباً دو برابر شده است.

سایر دختران گفتند که تحت تأثیر جراحی زیبایی افراد مشهور در رسانه‌های اجتماعی و افراد سرشناس شاید در آینده این کار را انجام دهند. به گفته پژوهشگران، بیشترین کاهش شادی بین دختران جوان هفت تا ۱۰ ساله رخ داده است و فقط ۲۸ درصد آنها در سال جاری گفته‌اند که خوشحالند، درحالی‌که در سال ۲۰۲۰، ۵۷ درصد از دختران (همین رده سنی) اظهار خوشحالی کرده بودند.

بحث ظاهر که به میان آمد، بیش از دو سوم دختران (۶۷درصد) ۱۱ تا ۲۱ ساله گفتند گاهی از ظاهرشان خجالت می‌کشند چون به دختران و زنانی که در رسانه‌های اجتماعی و آنلاین می‌بینند شباهت ندارند. شارلوت ۱۶ ساله گفت: «لکون دختران بیش از هر زمان دیگری از ظاهر خود ناراضی هستند. به این دلیل که تعداد بیشتری از آنها درباره ظاهرشان نظر منفی دریافت می‌کنند و با معیارهای زیبایی بالاتری مواجهند. این یعنی دختران بیشتری به تغییر ظاهر خود فکر می‌کنند یا رژیم می‌گیرند، متأسفانه افزایش این تعداد را مشاهده می‌کنیم و به نظرم باید کارهای بیشتری انجام دهیم تا دختران

زنان

سرویس اجتماعی ۶۰-۸۵۲۳

خشونت در نقاب ظاهری آراسته!

بسیاری از زنان و دخترانی که با ظاهرهای آراسته و مطابق استانداردهای رسانه‌ای و صنعت هالیوود

در سطح جامعه ظاهر می‌شوند تحت فشارهای روانی و اجتماعی شدید قرار دارند

۶۶

زنان و دختران برای مقبول بودن ناگزیرند فشارهای روانی زیادی را تحمل کنند و در رقابتی نابرابر لحظه به لحظه خودشان را برای دستیابی به استانداردهای القایی از سوی رسانه‌ها و سلبریتی‌ها تغییر دهند. در چنین شرایطی است که انواعی از بدترین نوع خشونت علیه زنان و دختران به شکلی پیچیده هم از سوی همجنسان و هم از سوی غیرهمجنسان شکل می‌گیرد

۶۶

قاب بندی ذهنی ما به گونه‌ای شکل گرفته که شاید وقتی از کنار دختری جوان با ظاهری آراسته و موهای بلندی که دورش ریخته و چهره‌ای که تداعی کننده حضور در یک مهمانی رسمی است، عبور می‌کنیم، اصلاً به ذهن‌مان نرسد این دختر می‌تواند نمادی از خشونت علیه زنان باشد!

دوباره از ظاهرشان راضی باشند.» در سال ۲۰۰۹ تقریباً سه چهارم تمام افرادی که بررسی شدند گفتند از ظاهرشان راضی هستند، اما این میزان در سال جاری به ۵۹ درصد کاهش یافت. آنجلا سالت، مدیر اجرایی گرل گایدینگ گفت: «شنیدن این خبر که میزان خوشحالی دختران در طول ۱۵ سال گذشته مرتباً کاهش یافته واقعاً ناراحت‌کننده است. بدیهی است دخترها از همه طرف تحت فشارند، از آسیب آنلاین گرفته تا فشارهای ظاهری و آزار جنسی در مدرسه.»

اما فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی موجب شده‌اند فضای مسلط فکری- فرهنگی در محدوده جغرافیایی خاصی باقی نماند و به تمام نقاط دنیا تسری پیدا کند. همچنین همین القانات رسانه‌ای و فشارهای روانی روی ذهن و روان زنان و دختران کشور ما نیز آثار روانی خودش را بر جای می‌گذارد. اما این مسئله چگون اتفاق می‌افتد؟

■ خشونت سوار بر امواج رسانه‌ای

درک محتوای پیام‌های رسانه‌ای به کاربران کمک می‌کند چگونه پیام‌های مورد نیاز خودشان را از میان انبوهی از اطلاعات انتخاب کنند. مطالعات نشان می‌دهد زنانی که از سواد سلامت بالایی برخوردار نبوده‌اند، نتوانسته‌اند از منابع و امکانات موجود در رسانه‌ها و فضای مجازی در جهت ارتقای کمی و کیفی زندگی خود استفاده کنند. نظریه شناختی اجتماعی پندوار به رسانه‌ها اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و تأکید می‌کند که قرار گرفتن در معرض پیام‌های رسانه‌ای می‌تواند تصاویر غیرواقعی از الگوهای سلامت افراد ارائه دهد. به عنوان مثال تصاویر تحریف شده در خصوص تصویر بدن و ظاهر افراد نگران‌کننده است، زیرا می‌تواند به ناراضی‌ای از بدن و اختلالات خوردن، مانند کم‌اشتهایی و کم‌خوری منجر شود. خطرهای خودافشگری اعم از ظاهری، جسم، افکار و احساسات کاربران به‌ویژه نوجوانان و جوانان و عوارض و خطرات ناشی از آن، مشروعبیت‌زادی از گروه‌های مختلف از خلال مقایسه آنها با تصور آرمانی نحوه رفتار آدم‌ها، نمایش محدود و ثابت و پایدار رفتار گروهی خاص، تبلیغات اغواکننده تهدیدهای ناشی از تأثیر منفی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی در زمینه موضوعات سلامتی برای زنان و دخترانی است که نقش مادرانه آنها می‌تواند اهمیت سلامت روانی و اجتماعی آنها را به مراتب بیشتر کند، بنابراین هر چقدر قدرت تجزیه و تحلیل جامعه زنان در پیام‌های رسانه‌ای و مفاهیم ارسالی بیشتر شود، آن جامعه از سلامت بیشتری و توسعه انسانی بالاتری برخوردار خواهد بود.

این درست‌ی یکی از

چالش‌های جامعه امروزی ماست که سواد رسانه‌ای و قدرت تجزیه و تحلیل پیام‌های آن متناسب با سرعت انتشار پیام به‌روزرسانی نمی‌شود و همین مسئله نوعی از فشار روانی و به تعبیر دیگر نوعی از خشونت را به زنان و دختران در جامعه امروز تحمیل می‌کند، به گونه‌ای که این خشونت می‌تواند سلامت روان آنها را تحت تأثیر قرار دهد.

■ خشونت‌زدگانی با ظاهری آراسته

نوع پوشش، آرایش و تسلیم در برابر استانداردهای زیبایی ارائه شده از سوی رسانه‌ها فقط بر سلامت روان زنان اثرگذار نیست بلکه می‌تواند روابط خانوادگی آنها را هم تحت تأثیر قرار دهد. حضور زنان و دختران جوان با ظواهری مطابق استانداردهای روز زیبایی دیکته شده از سوی جوامع غربی و صنعت سینما در سطح جامعه خیلی وقت‌ها با غفلت از رسیدگی به ظاهر در سطح خانه و خانواده همراه است؛ موضوعی که موجب می‌شود فضای روابط خانوادگی چه در خانواده خود این خانم‌ها و چه در سایر خانواده‌ها از این نوع استانداردسازی ظواهر تأثیر پذیرد. به این معنا که سطح سلاقی و استانداردهای مردان جامعه بر مبنای چیزی شکل می‌گیرد که بخش عمده آن غیرطبیعی و به واسطه جراحی‌ها و اقدامات زیبایی، لوازم آرایش، گریم‌ها و القانات رسانه‌ای و سلبریتی‌هایی است که برای گرم کردن بازار محصولات آرایشی بهداشتی و تجارت زیبایی در کلینیک‌ها و جراحی‌های زیبایی متعدد، خودشان را به هر شکل و شمایلی در می‌آورند! در چنین جامعه‌ای و در چنین شرایطی زنان و دختران برای مقبول بودن ناگزیرند فشارهای روانی زیادی را تحمل کنند و در رقابتی نابرابر لحظه به لحظه خودشان را برای دستیابی به استانداردهای القایی از سوی رسانه‌ها و سلبریتی‌ها تغییر دهند. در چنین شرایطی است که انواعی از بدترین نوع خشونت علیه زنان و دختران به شکلی پیچیده هم از سوی همجنسان و هم از سوی غیرهمجنسان شکل می‌گیرد. بر این اساس و با چنین دیدگاهی اگر در سطح جامعه بنگریم، متوجه خواهیم شد زنان و دخترانی که با زیباترین پوشش و آرایش و بانواعی از اقدامات زیبایی مانند تزریق ژل، بوتاکس، عمل‌های جراحی، زیبایی موهای رنگ شده، کشش‌های پاشنه بلند و چشمانی لنز گذاشته در سطح خیابان ظاهر می‌شوند هم به نوعی زنانی هستند که مورد خشونت واقع شده‌اند! خشونتی که این بار آثارش به شکل ضرب و جرح روی ظاهر و چهره آنها دیده نمی‌شود بلکه به شکل ظاهری آراسته است که این آراستگی ظاهری در بسیاری موارد روح این افراد را مجروح می‌کند. جالب این است که در تندباد القانات رسانه‌ای این افراد تصور می‌کنند قهرمانان مبارزه خیالی با تفکرات کهنه و نادرست و سنت‌شکنی هستند، در حالی که آنها قربانیان جنگ شناختی‌اند!



روایتی از اولین روز

استفاده از حجاب از سوی دو خواهر

آبی سربلند

کتاب آبی سربلند نوشته ابتهاج محمد (بانوی مسلمان ساکن آمریکا) و ساجده علی داستانی مذهبی و آموزنده درباره روز اول مدرسه و اولین روز استفاده از حجاب از سوی دو خواهر را روایت می‌کند. این کتاب داستانی پر از امید و تجربیات جدید در مورد پیوند ناگسستنی بین خواهران و افتخار به هویت، پیش چشم خوانندگان خردسالش به تصویر می‌کشد. این کتاب نامزد جوایز متعددی از جمله جایزه شارلوت هاک شده است.

■ درباره کتاب آبی سربلند

ابتهاج محمد (Ibtihaj Muhammad) و ساجده علی (Sajdah Ali) داستان کتاب آبی سربلند (The Proudest Blue) را با فالنزه، دختر کوچکی که با کوله‌پشتی جدید و کفش‌های چراغ‌دارش آماده برای اولین روز مدرسه است، شروع می‌کند. این روز نه تنها آغاز یک سال تحصیلی جدید است، بلکه اولین روزی است که خواهر بزرگ‌تر فالنزه، آسیه، با حجابی از پارچه‌ای زیبا به رنگ آبی اقیانوسی به مدرسه می‌رود. فالنزه از این اتفاق هیجان‌زده است و می‌داند که این روز برای خواهرش بسیار خاص خواهد بود، اما همه افراد مدرسه حجاب را زیبا نمی‌بینند و آسیه با کلمات دردناک و رفتارهای آزاردهنده‌ای مواجه می‌شود که او را گیج و ناراحت می‌کند. فالنزه با دیدن این رفتارها، راه‌های جدیدی برای نشان دادن حمایت از خواهرش پیدا می‌کند. او با داوری زیبایی زنده و ارزش‌هایی که خانواده به او آموخته‌اند، به خواهرش کمک می‌کند در برابر این کلمات منفی قوی بماند. حاتم عالی، تصویرگر کتاب با هنر زیبایی خود، داستان را به شکلی خیال‌انگیز و جذاب برای کودکان به تصویر می‌کشد. رنگ‌های جلیبه کتاب کودک شارلوت هاک را کسب کند. کتاب آبی سربلند که در ایران از سوی دکتر لیلا کاشانی وحید در انتشارات مهرسا و مهرماه ترجمه شده داستانی زیبا و تأثیرگذار درباره هویت، خانواده و قدرت مواجهه با چالش‌هاست. این کتاب با نوشتاری ساده و تصاویری جذاب، پیام‌های مهمی را به کودکان منتقل می‌کند و برای هر خانواده‌ای که به دنبال تقویت ارزش‌های فرهنگی و هویتی در فرزندان‌شان هستند، انتخابی عالی به شمار می‌آید.

■ نکوداشت‌های کتاب آبی سربلند

• کتاب آبی سربلند، داستانی الهام‌بخش و پرشور در مورد خواهرانی است که با چالش‌های شروع مدرسه و پوشیدن حجاب روبه‌رو می‌شوند. این کتاب به زیبایی قدرت خواهرانگی و اهمیت پذیرش خود را به تصویر می‌کشد. (Kirkus R-views)

• آبی سربلند، داستانی صمیمی و دلنشین است که به کودکان کمک می‌کند با مفاهیمی مانند تفاوت، پذیرش و احترام به دیگران آشنا شوند.

■ کتاب آبی سربلند برای چه کسانی مناسب است؟

کتاب آبی سربلند برای کودکان سه تا هشت ساله بسیار مناسب است. داستان ساده و قابل فهم است و تصاویر زیبا و جذاب، توجه کودکان را به خود جلب می‌کند. همچنین این کتاب برای خانواده‌هایی که می‌خواهند ارزش‌های فرهنگی و هویتی را به فرزندان خود بیاموزند، بسیار مفید است.

■ جوایز و افتخارات کتاب آبی سربلند

- از کتاب‌های پرفروش اموزن
- جزو فهرست پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز
- نامزد جایزه بهترین کتاب نوجوان پمسیلوانیا
- نامزد جایزه کتاب کودک شارلوت هاک
- جزو ۱۰ کتاب برتر حوزه زنان
- کتاب منتخب بوک لیست
- نامزد جایزه کتاب تصویری گودریدز.

در بخشی از کتاب آبی سربلند می‌خوانیم:

مAMAN روسری صورتی را انتخاب می‌کند. مامان عاشق رنگ صورتی است. اما آسیه سسری به مخالفت تکان می‌دهد. من دلبلیش را می‌دانم: پشت وپترین یک روسری آبی هست، روشن‌ترین آبی... وقتی به رنگ آبی این روسری خوب نگاه کنی، شبیه دریا و آسمان است که بین آنها هیچ فاصله‌ای نیست. امروز اولین روز حجاب آسیه است. او می‌داند، من هم می‌دانم. ما خواهر هستیم. فردای آن روز، اولین روز مدرسه است. من در حیاط خانه منتظر آسیه هستم. با کوله‌پشتی و کفش‌های برق جدیدم حس می‌کنم خیلی مهم شده‌ام. دلم می‌خواهد دور خودم بچرخم. آسیه از خانه بیرون می‌آید. من دست از چرخیدن می‌کشم و می‌ایستم. امروز بهترین و قشنگ‌ترین روز مدرسه است.



تفاوت نگاه اسلام و غرب به زن

انسانی آنها معطوف شود و حضور آنها در فضای اجتماعی به واسطه تخصص و تعهدشان باشد نه مسائل و موارد ظاهری. چنین نگاهی اجازه استفاده ابزاری و التذاذ جنسی از زن در محیط‌های اجتماعی و کاری را نخواهد داد، به همین خاطر هم زنان غربی وقتی با مفاهیم اینچینی آشنا می‌شوند و امنیت و آرامشی را که در زیر پرچم حجاب برای‌شان فراهم می‌شود، درک می‌کنند، دل‌شان می‌خواهد با این آیین و جهان‌بینی بیشتر آشنا شوند.

این درست همان نکته‌ای است که دنیای غرب را به وحشت می‌اندازد و جریان‌های اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی را شکل می‌دهد تا مبدا از زنان متوجه ارزش وجودی‌شان شوند و به اسلام گرایش پیدا کنند. اهمیت گرایش زنان هر جامعه‌ای به دین مبین اسلام بسیار بیشتر از مردان است چراکه زنان پرورش‌دهنده و تربیت‌کننده نسل‌های آینده هر جامعه‌ای هستند و از سوی دیگر همین حضور اجتماعی زنان با حجاب خودش پرچمی برای تبلیغ دین مبین اسلام است. در واقع حجاب در کنار مزایایی که برای زنان حضور اجتماعی آنها دارد و به آنها آرامش و امنیت هده می‌کند، نوعی تبلیغ برای اسلام هم محسوب می‌شود چراکه نمادی از شریعت مبین اسلام است.

موج گرایش زنان غربی به اسلام و به حجاب شاید برای بسیاری از زنان و دختران جامعه امروز ما عجیب به نظر بیاید و شاید آن را نپذیرند! اما واقعیت این است که با جست‌وجوی ساده در میان اخبار و اطلاعات دنیای غرب می‌توان دریافت بخش مهمی از زنان و دختران در جوامع غربی با شناسختن نسبی از اسلام و دریافت امنیت و آرامش ناشی از حجاب، این پوشش را انتخاب می‌کنند و این دین را می‌پذیرند. شاید ریشه‌های تفاوت نگاه بخشی از جامعه امروز به مسئله حجاب با زنان در دنیای غرب به این مقوله به واسطه این باشد که زنان غربی فشارها، خشونت، فقدان امنیت و بسیاری از تان‌ان‌های دیگر در خصوص نگاه جنس دومی به زن را در دنیای غرب تجربه کرده‌اند؛ نگاه جنسیت‌زده‌ای که زن را نه به عنوان یک انسان بلکه به عنوان یک ابزار و یک کالا تلقی می‌کند و ارزش گذاری‌اش برای زن به واسطه جنسیت اوست.

همین مسئله هم موجب می‌شود در دنیای غرب استانداردهای خاصی برای زنان اعمال شود. این در حالی است که در نگاه اسلامی زن فارغ از جنسیت به عنوان یک انسان ارزش و جایگاه دارد. مسئله حجاب برای زنان هم درست در راستای همین ارزش‌گذاری انسانی تدبیر شده است، به این معنا که زنان برای حضور اجتماعی باید حجاب داشته باشند تا نگاه‌ها از جنسیت‌شان به ارزش